

اختصاصات حضرت سیدالشهداء علیه السلام



جراغ هدایت و کشتی نجات

محبت مکنون

سیدالشهدا علیه السلام ، پدر امامان نه گانه

شفاعت

دوستداران حسین و دوستان دوستداران او بهشتی اند

جراغ هدایت و کشتی نجات

من آن نورم که در شب‌های تاریک چراغ رهنمای کاروانم در این دریا منم آن ناخدایی که کشتی را به ساحل می‌رسانم روایت شده که امام حسین علیه السلام فرمود: «خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب شدم در حالی که ابی بن کعب هم آنجا بود. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مرحبا به تو، ای اباعبدالله، ای زینت آسمان ها و زمین. ابی گفت: چگونه او زینت آسمان‌ها و زمین است در صورتی که کسی غیر از تو چنین نیست؟ حضرت فرمود: ای ابی، قسم به کسی که مرا به حق به نبوت مبعوث کرد، حسین بن علی در آسمان بزرگتر از روی زمین است، و همانا بر طرف راست عرش الهی نوشته شده است که او چراغ هدایت و کشتی نجات است.» (۱)

راه حسین علیه السلام راه دل است، و هرگاه عاشقی به دل توجه کند او را پیدا می‌کند. لذا در برخی روایات وارد است که: «قبر او در دل‌های دوستداران اوست.

یکی از برکات فردی حضرت سیدالشهدا علیه السلام این است که او «چراغ هدایت» و «کشتی نجات» است. اگر چه همه پیامبران و امامان علیه السلام چراغ‌ها و انوار هدایت و کشتی‌های نجات و رهایی‌اند، چنان‌که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «انما مثل اهل بیتی فیکم کمثل سفینة نوح من دخلها نجا، و من تخلف عنها هلك» (۲)

همانا خاندان و اهل‌بیت من در میان شما مانند کشتی نوح است که هر کس داخل آن شود نجات پیدا کرده و هر کس که از آن تخلف کند هلاک خواهد شد.

اما کشتی نجات حسین علیه السلام حرکتش بر امواج توفنده و گسترده دریا، سریع تر و لنگر انداختن و پهلو گرفتن آن بر ساحل‌های نجات آسان‌تر بوده و دایره بهره‌وری و استفاده از نور مشعل وجود حسین علیه‌السلام وسیع‌تر است.

در آن زمانی که امواج بلند و سهمگین فساد و گناه بر پیکره نیمه جان جامعه اسلامی، و جان و دل مسلمانان، تازیانه مرگ می‌زد و گرداب حوادث و توطئه‌ها و پلیدی‌ها، خفتگان در بستر غفلت را بی رحمانه به قعر تاریکی و تباهی می کشید، این حسین بود که با قیام و نهضت الهی خود و شهادت و اسارت اهل‌بیت خویش، گرفتاران در این اوضاع خطرناک را از دریای پر تلاطم ساخته شده به دست فتنه‌گر «بنی امیه» نجات بخشید و با کشتی رهایی خود، این خفتگان و غافلان و گرفتاران را به ساحل نجات رهنمون نمود.

از امام باقر و امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند: «خداوند عوض قتل امام حسین علیه السلام چهار ویژگی به آن حضرت عطا فرموده است :
اول: امامت را در ذریه او قرار داده است،

دوم: شفا را در تربیت آن جناب قرار داده،

سوم: کنار و زیر قبه ایشان دعا مستجاب می
چهارم: ایام زیارت کنندگان ایشان از عمرشان حساب نمی‌شود.»

آری، حسین علیه السلام «مصباح الهدی» است تا در این ظلمتکده خاك، دلیل و راهنمای راه باشد؛ و «سفینه النجاة» است تا در اقیانوس متلاطم فتنه‌ها و ضلالت‌ها، غرق شدگان را که کشتی شکسته بودند فریادرس باشد.

ای که مصباح هدایت هستی و فلك نجات از چه با این اشک‌ها ایجاد طوفان می‌کنی؟
زنده در قبر دل ما بدن کشته تو است جان مایی و ترا قبر حقیقت دل ماست

محبت مکنون

از جمله احادیث نبوی که در واقع بیانگر تأثیرپذیری معنوی مردم از وجود مبارك سیدالشهداء علیه السلام می باشد، حدیثی است که فرمود:

«ان للحسین محبة مكنونة فی قلوب المؤمنین.» (۳)؛ در کانون دل های مؤمنین، محبتی نهفته و ویژه نسبت به حسین وجود دارد.

کیست که نام حسین علیه السلام را بشنود و فردی از افراد بشر یا تنی از اولاد انسان باشد و حالت انقلاب و انکسار و دلباختگی برای او فراهم نشود؟ محبت حسین علیه السلام دل ها را به التهاب درآورده و جگرها را گداخته و مذاب می سازد، و شورش دل و آتش درون را به ریزش قطرات اشک از دیدگان، آشکارا و عیان می‌کند.

در کجای دنیا دیده می شود که شیعه و دوستدار حسین در آنجا باشد و اقامه عزای حسینی نکند. کیست که پس از دادن عزیزترین محبوب و مطلوب خود به اندک فاصله و مختصر وقت و گذشتن کمتر زمانی، آن مصیبت را فراموش نکند؛ جز مصیبت حسین علیه السلام که با این همه طول زمان و گذشتن قرن ها، روز به روز این مصیبت تازمتر و شور و شرا ره اش بیشتر و بلندتر می‌گردد. آیا نه این، جذبه عشق و علاقه و تأثیر محبت و فرط دلپستگی و دلباختگی علاقه مندان نسبت به آن امام محبوب است؟

و ای بسا، نامحرمان در برابر عظمت و جلالت حسینی تسلیم شده و به تواضع و تکریم در مقابل نام مبارك حسین و جلال و مقام او، قد خویش به تعظیم و تسلیم خم نموده و به دین و آیین حسینی گراییده و از اکسیر محبت او مس خود را طلای ناب و زر خالص می‌گردانند.

به راستی، سنت الهی چنین بوده که محبت امامی که مسیر تاریخ را عوض کرده و دین الهی را نجات می بخشد به گونه ای خاص در دل و جان مسلمین و مؤمنین قرار گیرد، حتی کسانی که مقابل حسین علیه السلام قرار گرفتند به قول فرزدق: «دل‌هایشان با او بود، اگر چه بر اثر دنیا پرستی شمشیرهایشان بر روی او کشیده شد.» چه رسد به مؤمنینی که عشق و محبت او با گل آنان سرشته شده است.

ابی عبدالله الحسین علیه السلام فرموده است: «هر کس پس از مرگ من، مرا زیارت کند، پس از مرگش من هم او را زیارت می‌نمایم.»

حتی محبت حسین علیه السلام در دل و جان رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز ریشه دوانیده بود، به طوری که می فرمود: «هر گاه که به فرزندم حسین می‌نگرم، گرسنگی و اندوه از وجودم رخت بر می‌بندد.» (۴) و نیز می فرمود: «بار خدایا، من حسین را دوست دارم و آنان که دوستدار او هستند نیز دوست دارم.» (۵)

راه حسین علیه السلام راه دل است، و هرگاه عاشقی به دل توجه کند او را پیدا می‌کند. لذا در برخی روایات وارد است که: «قبر او در دل‌های دوستداران اوست.»

سلام از دور و از نزدیک بهر او بود یکسان بلی قبر شریف او دل اهل یقین باشد
آری، دل مؤمن جایگاه تابش نور پر فروغ و احیاگر حسین است. و هرگاه عشق و محبت فراتر از آفاق ظاهری و مادی باشد، رنگ ابدیت به خود می‌گیرد، زیرا پیوند این محبت در حریم حب خدا بوده است و بقای آن به بقای فیض ذات سرمدی، جاودانه است، که گفته‌اند:

سیدالشهدا علیه السلام، پدر امامان نه گانه

یکی دیگر از برکات فردی سیدالشهدا علیه السلام که از ارزش معنوی بسیاری برخوردار است، این است که نه امام معصوم علیه السلام بعد از او از فرزندان گرامی آن حضرت می‌باشند، و نسل امامان به برکت وجود او ادامه یافت. چنانکه از امام

باقر و امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند: «خداوند عوض قتل امام حسین علیه السلام چهار ویژگی به آن حضرت عطا فرموده است:

اول: امامت را در ذریه او قرار داده است،

دوم: شفا را در تربیت آن جناب قرار داده،

سوم: کنار و زیر قبه ایشان دعا مستجاب می‌باشد،

چهارم: ایام زیارت کنندگان ایشان از عمرشان حساب نمی‌شود.» (۶)

رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که دست حسین بن علی علیه السلام را در دست خود گرفته بود و می فرمود: ای مردم، این حسین بن علی است، او را بشناسید؛ سوگند به آن خدایی که جانم به دست اوست، به راستی او در بهشت است، و دوستدار او نیز در بهشت است، و دوستدار دوستدار او نیز در بهشت می‌باشد.

از طرفی در روایات بر این امر تصریح شده که علی بن الحسین علیه السلام بعد از پدر به امامت رسیده است. چنانکه عبدالله بن عتبّه روایت کرده: خدمت امام حسین علیه السلام بودم که پسر کوچکترش «علی» وارد شد. (یعنی حضرت سجاد علیه السلام که از علی اکبر کوچکتر بوده است. و این واقعه قبل از تولد علی اصغر می‌باشد). تا آنجا که می گوید: عرض کردم: اگر آن امری که از آن به خدا پناه می‌برم اتفاق افتاد، به چه کسی رجوع کنیم؟ (یعنی امام بعد از شما کیست؟) فرمود: به این پسر: علی، او امام و پدر امامان است...» (۷)

باری، استمرار خط مستقیم و هدایتگر امامت به برکت وجود مقدس سیدالشهدا علیه السلام است، و این از بزرگترین برکت‌های فردی و معنوی آن حضرت است.



شفاعت

یکی دیگر از آثار و برکات فردی سیدالشهداء علیه السلام که در نزد شیعیان اهمیت و جایگاهی خاص دارد شفاعت در آخرت است.

شفاعت از ماده «شفع» به معنی ضمیمه کردن چیزی به همانند اوست، و از اینجا روشن می شود که باید نوعی شباهت و همانندی در میان آن دو بوده باشد، هر چند تفاوت‌هایی نیز در میان آنها دیده شود. به همین دلیل، شفاعت به مفهوم قرآنی آن بدین معنی است که: انسان گنهکار به خاطر پاره‌ای از جنبه‌های مثبت (مانند ایمان یا انجام بعضی از اعمال شایسته) شباهتی با اولیای الهی پیدا کند و آنها با عنایت و کمک‌های خود، او را به سوی کمال سوق دهند و از پیشگاه خدا تقاضای عفو کنند. و به تعبیر دیگر حقیقت شفاعت، قرار گرفتن موجودی قوی تر و برتر، در کنار موجودی ضعیف تر، و یاری رساندن به او برای پیمودن مراتب کمال است.

شفاعت در جوامع انسانی غالباً همان پارتی بازی و استفاده از رابطه است. اما شفاعت مورد نظر در قرآن کریم و روایات اسلامی، متوجه شایستگی‌های افراد است نه روابط شخصی بین شفاعت کننده و شفاعت شونده.

شفاعت اقسامی دارد که برخی از آنها نادرست و ظالمانه است و در دستگاه الهی وجود ندارد، ولی برخی صحیح و عادلانه است و وجود دارد. شفاعت غلط بر هم زننده قانون و ضد آن است، ولی شفاعت صحیح حافظ و تأیید کننده قانون است. شفاعت غلط آن است که کسی بخواهد از راه پارتی‌بازی جلوی اجرای قانون را بگیرد. برحسب چنین تصوراتی از شفاعت، مجرم بر خلاف خواست قانونگذار و بر خلاف هدف قوانین اقدام می‌کند و از راه توسل به پارتی بر اراده قانونگذار و هدف قانون چیره می‌گردد. اینگونه شفاعت، در دنیا ظلم است و در آخرت غیر ممکن. ایرادهایی که بر شفاعت می شود بر همین قسم از شفاعت وارد است، و این همان است که قرآن کریم آن را نفی فرموده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آگاه باشید، همانا حسین علیه السلام دری از درهای بهشت است، هر کس با او دشمنی کند خدا بوی بهشت را بر او حرام می‌کند.»

شفاعت صحیح، نوعی دیگر از شفاعت است که در آن نه استثنا و تبعیض وجود دارد و نه نقض قوانین و نه مستلزم غلبه بر اراده قانونگذار است. قرآن این نوع شفاعت را صریحاً تأکید کرده است که این نیز بر دو قسم است:

۱- شفاعت «ر هبری» یا شفاعت «عمل».

۲- شفاعت «مغفرت» یا شفاعت «فضل».

نوع اول شامل نجات از عذاب و نیل به حسنات و حتی بالا رفتن درجات می‌باشد، و نوع دوم شفاعتی است که تأثیر آن در از بین بردن عذاب و در مغفرت گناهان است، و حداکثر ممکن است سبب وصول به حسنات و ثواب ها هم بشود ولی بالا برنده درجه شخص نخواهد بود.

با توجه به آنچه به طور اجمال در خصوص شفاعت گفته شد، لازم به ذکر است که یکی از شفاعت کنندگان از اهل بیت، حضرت سیدالشهدا علیه السلام است، ولی آن حضرت شفیع کسانی است که از مکتب او هدایت یافته اند، نه شفیع کسانی که مکتبش را وسیله گمراهی ساخته‌اند.

قرآن و مکتب حسینی ریسمان‌هایی هستند که قدرت دارند بشر را از چاه ننگون‌بختی به اوج سعادت بالا برند: یکی «حبل من الله» و دومی «حبل من الناس» است؛ ولی اگر کسی از این دو حبل الهی سوء استفاده نمود، جرم از ریسمان نیست، علت این است که او در سر، سودای بالا رفتن نداشته است، و البته چنین مردمی به وسیله قرآن و مکتب حسینی به قعر دوزخ برده می‌شوند. (۸)

شفاعت به معنی وسیع کلمه، در هر سه عالم (دنیا، برزخ و آخرت) صورت می‌پذیرد، هر چند محل اصلی شفاعت و آثار مهم آن در قیامت و برای نجات از عذاب دوزخ است، از این رو سیدالشهداء هم در دنیا، هم در برزخ و هم در آخرت شفیع دوستداران و شیعیان حقیقی‌اش بوده و خواهد بود.

چنانکه در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «برای ما شفاعت است و برای دوستان ما نیز شفاعت است.» (۹) و در روایتی دیگر آمده است: «شافعان امامان هستند و دوستان مؤمنانند.» (۱۰)

و معلوم است که امام حسین علیه السلام یکی از امامان معصوم بوده که در قیامت و محشر کبری از شیعیان و دوستانش شفاعت می‌کند. به طوری که یکی از روایان گوید: روایتی از قول ابی عبدالله الحسین علیه السلام به من رسیده بود که آقا فرموده است: «هر کس پس از مرگ من، مرا زیارت کند، پس از مرگش من هم او را زیارت می‌نمایم.» این روایت در ذهن من بود، تا این که شبی در عالم واقع ابی عبدالله الحسین علیه السلام را دیدم، گفتم: آقا این روایت درست است و از شماست؟ «قال: نعم، و لو كان في النار اخرجته منها.»؛ فرمود: آری، هر چند در آتش باشد او را بیرون می‌آورم. عرض کردم: آیا از این به بعد این روایت را بدون واسطه از خود شما نقل نمایم؟ فرمود: آری. (۱۱)

به محشر که کسی نیست غمخوار کس شفیع محبان، حسین است و بس
تراز باب حسینی برند جانب جنت ترا که عاشق اوئی، ترا که شیعه اوئی*

دوستداران حسین و دوستان دوستداران او بهشتی‌اند

یکی دیگر از آثار و برکات فردی سیدالشهدا علیه السلام که در سرای دیگر ظهور کرده و جلوه نمایی می‌کند، بهشتی شدن دوستداران و حتی دوستان و دوستداران آن حضرت است. چنان که حدیقه بن یمان گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که دست حسین بن علی علیه السلام را در دست خود گرفته بود و می‌فرمود:

«یاایها الناس، هذا الحسین بن علی فاعرفوه، فوالذی بیده، انه لفی الجنة، و محبه فی الجنة، و محبی محبیه فی الجنة» (۱۲) ای مردم، این حسین بن علی است، او را بشناسید؛ سوگند به آن خدایی که جانم به دست اوست، به راستی او در بهشت است، و دوستدار او نیز در بهشت است، و دوستدار دوستدار او نیز در بهشت می‌باشد.

و از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده که فرمود:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله دست حسن و حسین علیه السلام را گرفت و فرمود:

«هر کس این دو پسر و پدر و مادر آنان را دوست داشته باشد، روز قیامت در درجه من با من خواهد بود.» (۱۳)

و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آگاه باشید، همانا حسین علیه السلام دری از درهای بهشت است، هر کس با او دشمنی کند خدا بوی بهشت را بر او حرام می‌کند.» (۱۴)

و معلوم است که این مقام عظیم تنها با محبت ظاهری حاصل نمی‌شود، بلکه مقصود، محبت خاصی است که مخصوص کسانی می‌باشد که در درجات بالای ایمان هستند. اگر چه دوستی و محبت امامان معصوم و امام حسین علیه السلام ثمر بخش است ولی احراز مقام والای معیت با رسول خدا صلی الله علیه و آله در بهشت برین، محبتی فراتر از ظاهر می‌طلبد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- فراندالسمطین، جوینی خراسانی، ج ۲، ص ۱۵۵.
 - ۲- فراندالسمطین، جوینی خراسانی، ج ۲، ص ۲۴۶.
 - ۳- حماسه حسیری، استاد شهید مطهری، ج ۳، ص ۲۴۷.
 - ۴- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۴۳، ص ۳۰۹.
 - ۵- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۴۳، ص ۲۸۱.
 - ۶- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۰، ص ۳۲۹.
 - ۷- اثبات الهداة، شیخ حر عاملی، ج ۵، ص ۲۱۵.
 - ۸- اقتباس از کتاب عدل الهی، استاد شهید مطهری، ص ۲۴۱ تا ۲۴۶.
 - ۹- خصال، شیخ صدوق، ص ۶۲۴.
 - ۱۰- المحاسن، ابی جعفر برقی، ج ۱، ص ۲۹۳.
 - ۱۱- نقل از کتاب قیام حسینی، آیت الله شهید دستغیب، ص ۱۰۵.
- *- بی‌تی از نگارنده.
- ۲- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۴۳، ص ۲۶۲.
 - ۳- منتخب کامل الزیارات، ابن قولویه، ص ۳۲.
 - ۴- سفینة البحار، محدث قمی، ج ۱، ص ۲۵۷.
- منبع: کتاب آثار و برکات سیدالشهدا، علیرضا رجالی تهرانی.